

تأمل خود بنیاد

می‌توان از آیات و روایات، قلمرو دقیق دین را به دست آورد ولی یکی از نتایج مقدمات روش «انتظار از دین»، عدم صحت مراجعه به قرآن و روایات برای تعیین قلمرو دین است...



می‌توان از آیات و روایات، قلمرو دقیق دین را به دست آورد ولی یکی از نتایج مقدمات روش «انتظار از دین»، عدم صحت مراجعه به قرآن و روایات برای تعیین قلمرو دین است.

برای اثبات این ادعا اولاً، عدم تعیین معنای متون وحیانی به عنوان یک متن مطرح می‌شود؛ چون اگر معنای متن محدودیت نداشته باشد، فهم متن هم با محدودیتی مواجه نخواهد بود.

عواملی که موجب محدودیت معنای متن می‌شود، موجب محدودیت فهم متن نیز خواهد بود. ثانیاً، بر تأثیر تام انتظارات مفسر در فهم آیات و روایات پافشاری می‌شود و قائلان به آن بر این باورند که طبق این دیدگاه، انتظارات و پیش فرض‌ها، نقش اساسی در فهم قرآن و روایات به‌ویژه آیات و روایات مربوط به قلمرو دین دارد و هر فهمی از آنها باید هم‌سو با انتظاراتی باشد که بحث کلامی آن را سامان می‌دهد و به ما می‌گوید از دین چه بجویم و چه نجویم. در نتیجه چون همواره با یک انتظاری در باب قلمرو دین سراغ آیات و روایات مربوط به قلمرو دین می‌رویم و این انتظارات به فهم ما از آیات و روایات سمت و سو می‌دهد، برای به دست آوردن قلمرو دین، نمی‌توان به قرآن و روایات رجوع کرد.

هر متن زبانی از جمله متون وحیانی که از پشت سر هم چیده شدن مجموعه خاصی از جملات تشکیل شده است، دارای معنای ظاهری (دلالت تصویری) و معنای واقعی (دلالت تصدیقی) متعین و نهایی است که همان مراد صاحب متن بوده و خارج از ذهن مفسر است، زیرا مسئله وضع واژگان بر معانی مطرح بوده و زبان یک امر اجتماعی است، نه شخصی. به دلیل همین خصوصیت، معنا هم نزد صاحب سخن و هم نزد مفسر متعین است؛ به عبارت دیگر، معنا هم در مقام استعمال معین است و هم در مقام دلالت تعیین دارد؛ چون در غیراین صورت مفاهمه صورت نمی‌پذیرد.

لازمه سخنان مذکور نسبت در علوم است، زیرا طبق آن فهم هر کس از متون، با توجه به مجموعه تشکیل‌دهنده آن، درست خواهد بود، هر چند در شرایط و موقعیت دیگر، همین فهم نادرست جلوه کند. در فضای اسلامی اشکالات دیگری نیز بر این نظر وارد است از جمله اینکه روایاتی که از تفسیر به رأی نهی می‌کنند و نیز روایاتی که تأکید بر عرضه سخنان ائمه اطهار (ع) به قرآن، برای به دست آوردن مراد حقیقی یا واقعی دارند، همه ناقض این نظر هستند. دیگر اینکه وقتی معنای واقعی وجود نداشته باشد، نمی‌توان از معنای درست و فهم صحیح، سخن گفت.

چنان‌که از روایات استفاده می‌شود و مفسران نیز تصریح دارند، واقعیت این است که اولاً، تأثیر تام انتظارات مفسر در فهم همه آیات حتمی نیست تا نتوان برای به دست آوردن قلمرو دین به آن دو مراجعه و قلمرو دین را استخراج کرد. البته قبول داریم فهم آیات و روایات در طول تاریخ بیشترین آسیب را از ناحیه تأثیر انتظارات مفسران در فهم دیده است و تأکید بر عدم تأثیر مطلق را قبول نداریم و اصل تأثیر انتظارات مفسر در فهم، فی‌الجمله مورد پذیرش است، منتهی این تأثیر از یک مجرای خاص و در برخی موارد صورت می‌گیرد. ثانیاً، باید در تأثیر ندادن انتظارات خود در فهم آیات و روایات سعی وافر داشت.

توجه به این نکته ضروری است که بین قرآن کریم و متون مقدس مسیحی، به‌ویژه اناجیل چهارگانه، از جهت نص و محتوا، تفاوت فاحشی وجود دارد که مانع می‌شود بتوان تمام آنچه دانشمندان مسیحی در مورد فهم و تفسیر کتاب مقدس گفته‌اند، در مورد فهم و تفسیر قرآن کریم پذیرفت و هر نسخه‌ای که برای فهم کتاب مقدس پیچیده‌اند، برای فهم قرآن کریم نیز به آن عمل کرد، در این میان ممکن است برای تأثیر انتظارات، در مراجعه به آیات و روایات مربوط به قلمرو دین و فهم آنها، مجاری مختلفی مطرح شود که برخی مربوط به گردآوری و تعدادی دیگر مربوط به فهم و پاره‌ای در مقام داور است که می‌توان به تأثیر در مقام فحص و جست‌وجو، تأثیر در مقام فهم، تأثیر از طریق پیش‌فرض‌های ایمان به کتاب و سنت اشاره کرد. هر کسی بر حسب انتظاراتی که از آیات و روایات دارد، آن دو را متعهد به تدارک پاسخ در برابر پاره‌ای از پرسش‌ها می‌داند و در برابر پاره‌ای دیگر نه؛ بنابراین، اگر با مباحث نظری به این نتیجه رسیدیم که از دین نباید انتظار داشت که قلمرو خود را بیان کند، از آیات و روایات بیانگر قلمرو دین جست‌وجو نخواهیم کرد.

خطای چنین اندیشه‌ای در این است که معقول بودن جست‌وجو از یک موضوع در قرآن و روایات را منوط به این می‌داند که قبل از آن با مباحث کلامی ثابت شده باشد که آن دو در زمینه موضوع مورد جست‌وجوی ما سخن دارد، چنان که در علم اصول در مبحث شرط تمسک به اصل برائت عقلی ثابت شده است، صرف احتمال عقلایی وجود سخنی مربوط به امری در قرآن کریم و روایات، عالم دینی را به جست‌وجو وا می‌دارد. به‌ویژه در قرآن کریم که خود را بیان‌کننده همه چیز معرفی می‌کند، فقط در صورتی نمی‌توان قلمرو دین را از کتاب و سنت جست‌وجو کرد که ثابت شود دین در باب قلمرو خود هیچ سخنی ندارد، لکن این مطلب ثابت نشده است بلکه می‌توان گفت اثبات چنین مطلبی ممکن نیست، چرا که عقل از اثبات ضرورت عدم بیان عاجز

است و فقط می‌تواند عدم‌ضرورت بیان را ثابت کند و به‌رغم اثبات عدم‌ضرورت بیان نیز می‌توان و بلکه باید قلمرو دین را از کتاب و سنت جست‌وجو کرد؛ زیرا این احتمال عقلایی باقی است که دین (قرآن و روایات) از باب تفضل قلمرو خود را بیان کند. همین احتمال برای ضرورت مراجعه به متون دین کافی است.

بدون داشتن انتظاری خاص از متن، فهم آن ممکن نیست و انتظارات از دین و داشتن یک نظریه خاص درباره قلمرو دین، انتظار ما از کتاب و سنت و فهم ما از آن دو را سمت و سو می‌دهد؛ بنابراین، نمی‌توان قلمرو دین را از قرآن و روایات جست‌وجو کرد، زیرا دچار مشکل دور خواهیم بود؛ یعنی توقف فهم آیات و روایات به انتظار از آن دو و بر عکس.

سخن مذکور مدعایی است که دلیلی برای اثبات آن اقامه نشده و برای رد آن نشان دادن موارد نقض کافی است. به دلیل علقه الفاظ بر معانی که در بیشتر موارد همان مراد صاحب سخن است، فهم قرآن و روایات ابتدایی به داشتن انتظار خاص از آن دو ندارد و بدون آن نیز امکان فهم وجود دارد. چنان‌که مردم صدر اسلام، مسلمان و غیرمسلمان، بدون انتظار خاص از قرآن کریم، آن را می‌فهمیدند. به علاوه قرآن کریم، خود دعوت به تدبیر می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ». بنابراین، با ابطال توقف فهم کتاب و سنت بر انتظار خاص از آن دو و داشتن نظریه خاص در باب قلمرو دین، اساس دور متوهم فرو می‌ریزد. پس می‌توان، برای به دست آوردن قلمرو دین، قبل از داشتن نظریه‌ای در این باب، نظر کتاب و سنت را جویا شد و آن نیز جواب خواهد داد. یکی دیگر از مجاری مطرح برای تأثیر انتظارات در فهم قرآن کریم، تأثیرگذاری از طریق پیش‌فرض‌های قبول کتاب و سنت است.

تأثیرگذاری از طریق پیش‌فرض‌های قبول کتاب و سنت به این معنا که انتظارات از دین که با مباحث برون‌دینی شکل می‌گیرد، پیش‌فرض‌های قبول کتاب و سنت را تعیین می‌کند و این پیش‌فرض‌ها شرط فهمیدن قرآن است؛ زیرا در ایمان به یک امر، عقاید و اصول بسیاری مبنای

قرار می‌گیرد که پس از رسیدن به ایمان، نمی‌توان از آن اصول و مبانی دست کشید، لذا فهم قرآن و روایات با مبانی پذیرش آن دو همواره هماهنگ خواهد بود و همین مبانی‌اند که اختلاف در تفاسیر را به‌وجود می‌آورند و هیچ فهمی نداریم که مستند به این پیش‌فرض‌ها نباشد و از آن قوام و جواز نگرفته باشد.

بدون شك، پیش‌فرض‌های معرفتی قبول کتاب و سنت فی‌الجمله، در فهم آن دو مؤثر است و فرد مؤمن به حقانیت قرآن و سنت، نمی‌تواند تناقض و تعارض بین پیش‌فرض‌های قبول آن دو و فهم خود از آنها را بپذیرد و لازم است این تعارض را به‌نحوی حل کند، لکن فهم از مبادی خود سیراب می‌شود و برای خود وجود مستقلی دارد. بین ابتدایی فهم کتاب و سنت به پیش‌فرض‌های قبول حقانیت آن‌که به معنای آن عدم‌تحقق فهم بدون این پیش‌فرض‌هاست و بین ضرورت رفع تعارض بین فهم کتاب و سنت و آن پیش‌فرض‌ها و نوعی هماهنگ‌سازی، فرق بسیار است. هر کسی با داشتن مقدمات لازم فهم، مثل آگاهی به زبان عربی و برخی مقدمات منطقی و امثال آن، به فهم کتاب و سنت نایل می‌شود، اگرچه به آن دو ایمان نداشته باشد؛ مثلاً خاورشناسان غیرمسلمان، تحقیقاتی قابل استفاده درباره قرآن انجام داده‌اند، بدون اینکه به حقانیت آن ایمان داشته باشند.

بدون شك دریافت هدایت قرآن کریم و رسیدن به ایمان راستین و کامل از طریق آن و فهم کامل قرآن، اعم از ظاهر و باطن که ویژه معصومان(ع) است، بدون ایمان صحیح به رسالت و حقانیت قرآن کریم نیست، لکن برای فهم معانی و مراد آیات با قرائن عقلی و نقلی، ایمان و اعتقاد صحیح به رسالت و اهداف شرط نیست؛ زیرا با چنین شرطی غیرمؤمنان نخواهند توانست معارف قرآن را بفهمند و با پذیرش اسلام به رستگاری برسند، حال آن‌که قرآن آنها را به اسلام و خود دعوت می‌کند و خود را ماه پند و اندرز برای همه مردم معرفی می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» علاوه بر هادی بودن، مبارزه طلبی و تحدی قرآن نیز، با این شرط منافات دارد؛ زیرا در صورتی دعوت به همانندآوری صحیح است که منکران قرآن، بتوانند آن را بفهمند.

پس معلوم شد اولاً، با روش بیرون‌دینی نمی‌توان به‌طور دقیق قلمرو دین را به دست آورد، ثانیاً، اعتقاد به قلمرو خاص برای دین در نتیجه انتظار ویژه از قرآن و روایات تأثیر تام در فهم

آن دو ندارد، تا نتوان برای کشف قلمرو دین به آیات و روایات مراجعه کرد؛ بنابراین، می‌توان و باید برای به دست آوردن قلمرو دین، به متون دین به‌ویژه قرآن کریم مراجعه کرد.

حجت‌الاسلام مصطفی کریمی